

در صفحه ۱۲ بخوانید...
■ متن سنگاندازی
■ از دست دادن | از شی از کتاب یاد یاد گداز
■ هویت کم شده | بیانی حاجی اسماعیلی
■ ...

یادداشتی از سیدضار نسی کریمی
توان خواهان را در بنیام
صبح روز چهارشنبه ما با دفعه‌های فراوانی آغاز می‌شود از
دفعه‌های متفاوتی و شخصی گرفته تا دفعه‌های سیاسی،
اجتماعی و ملی...



یادداشتی از محمد متمدی
موسیقی برای مردمی که از جنگ خسته‌اند
در شهر امروز جهان، فرهنگها و موسیقی‌هایی هستند که با
کمتین میزان وجه مشترک و به عبارت دیگر با هر ترفندی که شده،
بخشی از ریشه‌های مشترک خود را پیدا می‌کنند...



در صفحه ۱۱ بخوانید...

نگاه منتقد

تقدیری بر یک تحلیل
در باره حضور هزاران نفر مردم در
آیین خاکسپاری مژ تفسی پاشایی

ما جامعه را اسطوره می‌کنیم
یا
بیچاره سیاست!

مجموعه‌ای از عوامل دست به دست هم
دادند تا در کشوری که برای خاکسپاری
نهمین فرزند گرامی تعداد ماشین‌های
از مجموع لگستون دو دست هم کمتر
بودند در تنسیع بیکر مرتفی پاشایی
اجتماعی هزاران نفری شکل بگیرد.
موج رسانه‌های مرتفی که مداسیما
در ملباه اخیر به راه انداخت، دوستان
پاشایی - خواننده گان پیاپ - که در هر
کسرت و برناله تلویزیونی - یادی از
اومی کردند، دست به دست شدن از راه
و تصویر دوران بی‌مباری او و عواملی از این
دست که کناره مدد قدرت بی‌همتی
شکستهای اجتماعی طیف گسترده‌ای
مسرمه را در جریان بسیاری در خاک و
گذاشت و از آنها بهترین فضای عصار او
که هر چه می‌خواند از حروان و فرقی بود
که نسل در نسل جامعه اپرئی خود را
در آنها آشفته می‌بندد، باعث شد مورد
پاشایی به مبردی می‌باشد بلبل شود



یادداشت

منشور برای که برای چه؟

از مرتضی حسینی نژاد |مدال نشینوری|

تعمین سرنوشت سیاسی اقتصادی اجتماعی،
فرهنگی و... اما اینها در حالی است که وضع
تحصیل مختار دانشجویان با مشکلات بسیاری
روبرو است و آنها از تحصیل در بسیاری از
رشته‌های مورد علاقه خود منع شده‌اند.
طبق متن پیشین در ۹۲ رشته تحصیلی
حقوق شهروندی که در ۹۲ رشته تحصیلی
شده دولت موظف است زمینه‌های مهندسی
و نخبگان دانش روز را از این بیان، تحقیق و
تبیین و توسعه علمی فراهم کند. دانشجویان
یاد یوتوند بدون حذف معاش و در فضای امن،
مسیر تک‌معلم و تولید دانش و توزیع آن را
دخال کنند این در منشور حقوق شهروندی
شامل یکی از مهمترین نکته‌های می‌شود که
امروزه دانشجویان بسیاری با آن درگیر هستند
و کنکار می‌روند یعنی همان دفعه معاش
بسیاری از دانشجویان و
حتی استان دانشگاه معاش
مختلف با حذف معاش
خود زندگی می‌کنند
شده است که آنها نتوانند
به خوبی و آچنان که
شایسته تری کار و
تحقیق و تحقیق علمی
شده معاش مورد
دگرگی و به روشنی
عینیت در منشور حقوق

جولان افزون بر سایر
حقوق شهروندی از حقوقی
نظیر «مسارک اقتصادی» و
مداخله در همه صدهای
علمی، فنی، اقتصادی و...

برخورد نانو نیز از حق
مسارک کامل در تعیین
سرنوشت سیاسی، اقتصادی،
اجتماعی، فرهنگی و...

از زمان صحبت از شکل گیری منشور حقوق
شهروندی در دانشگاه و در بین گروه‌های
مختلف دانشجویی همه آنها به این مسأله
فکر می‌کردند که در این منشور چه جایگاهی
برای دانشجویان در نظر گرفته شده است. آیا
طبق متن پیشین در ۹۲ رشته تحصیلی
حقوق شهروندی که در ۹۲ رشته تحصیلی
شده دولت موظف است زمینه‌های مهندسی
و نخبگان دانش روز را از این بیان، تحقیق و
تبیین و توسعه علمی فراهم کند. دانشجویان
یاد یوتوند بدون حذف معاش و در فضای امن،
مسیر تک‌معلم و تولید دانش و توزیع آن را
دخال کنند این در منشور حقوق شهروندی
شامل یکی از مهمترین نکته‌های می‌شود که
امروزه دانشجویان بسیاری با آن درگیر هستند
و کنکار می‌روند یعنی همان دفعه معاش
بسیاری از دانشجویان و
حتی استان دانشگاه معاش
مختلف با حذف معاش
خود زندگی می‌کنند
شده است که آنها نتوانند
به خوبی و آچنان که
شایسته تری کار و
تحقیق و تحقیق علمی
شده معاش مورد
دگرگی و به روشنی
عینیت در منشور حقوق

حقوق شهروندی یا حقوق بشر توسط اهالی این مرز
و بوم، امری عجیب به حساب می‌آید، به این واسطه
است که مردمان این مسلمان، سابق سال است که
با چنین مفهومی آشنا شده‌اند و در زمان پیروزی
ظفر (که کارگزار سبک‌گیری و به کار بستن فواید
است) رحیم مغلوب، نه تنها رویای معمول بوده که
«گوش کبیر» زمانی که در فتح بلبل موفق شد،
با صلح و از آرمش بر تخت سلطنت رفت کرد که آنها او را
اهالی بلبل در نهایت تکریم او را پذیرفتند. اهمیت
تاریخی فتح بلبل و رفتار فاتح مسلمان به این دلیل
است که از همان زمان «حق» مردمان آن سامان را
به رسمیت شناخت و بر بندهای (۲۵ بند) حقوق
شهروندان بلبل، امکتوب و مراعات تأکید کرد:
... بدون جنگ و بیگار وارد بلبل شدم، همه مردم
حالی را بر ما نشانمندی پذیرفتند. در باره گاه پادشاهان
بسیار بود که مرا با شرفی این نسیتم. مردم که خدای
زیب را از راهی یک مردم بلبل را منوجه من کرد ...
مردم بلبل را از راهی گرامی نامش.
... از آن روز که من به صلح از آرمی وارد بلبل شدم،
نگذاشتند هیچ آزاری به مردم بلبل و این سرزمین
وارد آمد و وضع خرابی بلبل و جایگاههای مقدسی
قلب مرا ناکند داد... من برای صلح کوشیدم.
... من سرده‌های را از آنها می‌بندیدم بدیختی آنان
پایان بخشیدم فرمان دادم که همه مردم در برهمن
حق خود آزاد باشند و آنان را نیاز از ته فرمان دادم
که هیچکس اهالی شهر را از هستی ساقط نکند.
... مردم خود را از کردار من خشنود شد
... او برکت و مهربانی اش از آرزای داشت. ما همگی
شادمانه در صلح و آشتی مطلق بندش استازیدیم
...
... رویه‌های نشانسان بودن و بی اطلاع مردم
کنون سال از حقوق شهروندی را عجیب می‌نامیدند
راند، اما این رویه را به رسمیت شمرده مردم خود را
حاکمش نخستین منشور برای حقوق بشر که
حقوق شهروندی را (در سر دارد) از راهی کرده،
چگونه است که عموم مردم به از حقوق شهروندی
مطمئن و به حتی مطالبی از خود، برهانه آن دارند.
چگونه است که منشور برای چنین حقوقی،
راند شده است اما سوبت‌گیری بر سطح مباحثات
آن می‌کنند. در این مسلمان فریب به همه‌ساز و بیشتر،
حاکمی صلح را تعیین کرد، مردم را به راه حاشیه
راند، اما این رویه را به رسمیت شناخته و حاکمیت
را در اول فصل معاش مسؤل دانست. اما در گذر زمان
به تمام مردم به حتی مطالبی از خود، برهانه آن دارند.
که سه هزاره بعد، عدای نه تنها از حقوق جمعی
و فردی خود و تکلیف جمعی‌شان بی‌اطلاعند که
معاقت‌هایی در این زمینه نیز وجود دارد.

ایران؛ مهد حقوق شهروندی

آنچه در این مجال به قلم آمد، در تعریف از
حقوق شهروندی و از منظر تکلیف بود و پرداخت
عمومی از این مفهوم و معانی پنهان در آن جنبه
اختیاری ندارد اما در سطحی دیگر، تأکید بر این است
که حقوق شهروندی به هر سر و شکل و زیر عنوان
«حقوق بشر» محسوب می‌شود اما مشربخته باید
گفت در این زمینه هر آنچه هست، چه در هیت
حقوق شهروندی و چه در ساح حقوق بشر از دید
اهالی این «قوم» کمتر شناخته شده است. طوری که
هر جا سخن از این موضوع به میان آید، گاهی از آن
امری عجیب است. عجیب آنکه این بی‌حی‌ری از
حقوق بشر با حقوق شهروندی، در سرزمین روی
واقع به خود گرفته که مهد بشر است و
نخستین منشور حقوق بشر از این «قوم» به میراث
ماده و متحصن و کار نشانان امر، حتی مسئولان
عالی‌رتبه در سازمان ملل در آن حجه گذاشته
و تکریم‌اش کرده‌اند. حتی «ناتو» که به پیش از
به ایران آمده بود، «منشور کوروش» را از کشتن
بیانیه حقوق بشر است) «یافته اختراع ایرانیان دانست
و از آن به عنوان نخستین منشور حقوق بشر، یاد کرد
مفاد منشور یا «صواله کوروش» از آن روزها و
بار با نقد بزرگان و صاحبان فکر جامعه شده که با
گذشته نزدیک به سه هزاره به حقوق‌های نوآرود هر
چه معاصران در زمینه حقوق بشر نوشته و گفته‌اند،
در این استوانه گلین، آمده است. اگر امروز نتوانستند
نیز در این اادی گام نهاد و مفهومی بسا عنوان
«شهروند» ایجاد کرد، این مفهوم به این دلیل
گرفت که جامع شهری رو به گسترش نهاد
و هر که در مجموعه‌ای به نام شهر زندگی کرده و
اوقات می‌گذراند با نام شهروندین وصف می‌شد. اما در
سطحی دیگر، با در نظر گرفتن شرایط زیست جمعی،
مفهوم به مراتب مترقی‌تر به نام «شهروند» ایجاد
شده. هر چند همین مفهوم نیز با تفاوتی معنایی به
کار می‌رفت. در یک نگاه گذر اما نسبتاً دقیق، تفاوت
میان این دو مفهوم، در میزان مسئولیتی است که
نه به اجبار، بلکه به دلیل احساس تکلیف، بر عهده
«شهروند» قرار دارد. «شهروند» هر چند به صرف
گذران عمر، در شهر و آمده و شد به نهادهایی که از نام
مراجه به آن در زندگی شهری وجود دارد، با این
نام وصف شده است. اما آنچه به مقام «شهروندی»
معنایی می‌شود که در مواجهه با «شهرو» به عنوان
حامل رزمت و مجاورت با ساکن آن، مسئولیتی در
محل فرد، نوع تقبی می‌کند. در چنین خونی است
که سیر تکاملی از شهروندین به شهروندی در ستر
حقوق متقابل شهرو و ساکنان آن (حتی امکانات
موجود در آن)، از قوه به فعل، نمایان می‌شود. در این
شکل، مجموعه‌ای ذیل عنوان «حقوق شهروندی»
که از امات، حقوق تکلیف زیست شهری در رمعی
عام، در بر دارد، معروف و محل رجوع شهروند و
صاحب‌منتهان خواهد بود.



حمیدرضا علمینی
خبرنگار گروه طرح نو

سالیانی است که «حق» به عنوان امری قدسی چه
در جامعه ما چه در دیگر جوامع، محل توجه همگان
است و اجتماعات شهری برای رسیدن به آنچه «حق»
شمرده شده، سعی و تلاش و مباحثات کرده‌اند.
همین تلاش و مباحثات‌ها، اجتماعات شهری را
بر این دانسته تا جوامعی شکل دهند که بر مبنای
«حق» قیوم و دوام یابد، چه آنکه «حق» پایه قوانین
جاری جامعه محسوب می‌شود و به معض دوری
از مینا قرار گرفتن در جامعه اجتماعات شهری را که
«ناژنی» مغرط فرو خواهد بود تا این رو تلاش نوع
بشر از بنای زیست جمعی، بر این بوده تا مجموعه
قوانینی را بر محور «حق» در زیر لایه‌ها و لایه‌های
اجتماعی، مورد توافق عام قرار دهند. به معض جریان
چنین حقی و مشروعت نام آن از منظر حقوق رسمنی،
با هر سر و شکل، مجموعه‌ای از «حقوق»
پدید می‌آید که تعریف و مصفندی متقابل هر یک
جامعه از این می‌دارد تلاش‌های گسترده‌ای برای
پاسدانی آنچه محصول تلاش‌های تاریخی بشر
بوده به کار بندند.
... چنین تلاشی، مستقل از ایدئولوژی حاکم بر
جوامع بشری، مورد تقدیس همگان است. در
جوامعی با محضی «مجموع‌گرا» (که تلاش برای
رسیدن به جامعه‌ای قادر از شی طبعی اقتدا
به «مبازره» از اصل می‌داند)، تقدیس رسمنی،
به «حقوق» که عدالتی در گستر و قدر و قوه
جامعه از تقسیم می‌کنند، به هر آنچه هست،
اولویت داده می‌شود. حتی در جامعه‌ای خراسته
(کاپیتالیسم) منطبق که فرد «حق» محض»
است. «حق» به معنای مطالبه آزادی فردی، آنجا
معنا می‌یابد که یوتوند، مسئولیت در قبال اجتماع را
شملت کند. چنین مجموعه‌ای از اقتدات در قبال
حق است که می‌تواند آن را به عنوان امری قدسی در
جوامع بشری (صرف نظر از تعلق از دگرگانی) جلوه‌ای
تمام دهد. با این توضیح «حقوق» با لغاف همه جامعه
اقل حل و یخت، جمعی جامعه مواجهه و مطالبه
حقوق به امری رایج، ببل می‌شود.
در دوره حاضر، نیز «حقوق» مفهومی عام به خود
گرفته، اما هر روز بر گستر و تعدد پرداخت آن
افزوده می‌شود با تشکیل جوامع شهری که بر محور
«شهرو» قرار یافته، «حق» در قوانین جاری شهری
نمود و چندان دارد و مجموعه‌ای از حقوقی با این
تصور، در قالب «قانون» تفاوت، رفتارهای عمومی
را بر عهده دارد.
عصری که امروزه با نام «مردن» معروف است،

بخش‌هایی از منشور کوروش، نخستین بیانیه حقوق بشر

- منم کوروش، شاه جهان، شاه بزرگ، شاه توانمند، شاه باپیل، شاه سومر و آکند، شاه چپار گوشه جهان، پسر کمبوجیه، شاه بزرگ. نوه کوروش، شاه بزرگ، بنیره چینیان پیش‌شاه بزرگ.
- آنگاه که بدون جنگ و بیگار وارد بلبل شدم، همه مردم مرا با بی‌شادمانی پذیرفتند. در باره گاه پادشاهان بسیار بود که مرا با شرفی این نسیتم. مردم خود را حاکمش نخستین منشور برای حقوق بشر که حقوق شهروندی را (در سر دارد) از راهی کرده، چگونه است که عموم مردم به از حقوق شهروندی مطمئن و به حتی مطالبی از خود، برهانه آن دارند. چگونه است که منشور برای چنین حقوقی، راند شده است اما سوبت‌گیری بر سطح مباحثات آن می‌کنند. در این مسلمان فریب به همه‌ساز و بیشتر، حاکمی صلح را تعیین کرد، مردم را به راه حاشیه راند، اما این رویه را به رسمیت شناخته و حاکمیت را در اول فصل معاش مسؤل دانست. اما در گذر زمان به تمام مردم به حتی مطالبی از خود، برهانه آن دارند. که سه هزاره بعد، عدای نه تنها از حقوق جمعی و فردی خود و تکلیف جمعی‌شان بی‌اطلاعند که معاقت‌هایی در این زمینه نیز وجود دارد.



ادامه در صفحه ۱۰